

بگذار طبقات حاکمه در مقابل انقلاب کمونیستی بر خود بلرزند.
کارگران در این میان چیزی جز زنجیرهای خود را از دست نیندازند،
ولی جهانی را بدست خواهد آورد.
کارگران جهان متحد شوید!

با اعتصاب معلمان صدها مدرسه در شهرهای مختلف تعطیل شد!

مصاحبه با شهلا دانشفر
از دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری

در همین حرکت اعتراضی امروز معلمان نگاه کنید، معلمان از قبل تعیین کردند که در سه روز ۲۷ تا ۲۹ دیماه دست به اعتصاب سراسری خواهند زدند و توانستند این کار را در سطحی وسیع عملی کنند. بطوریکه طبق گزارشات دولتی

صنعت نفت را در یک دست و فیش حقوقی خود را در دست دیگر داشتند فریاد میزدند تبعیض دیگر بس است! جنبه دیگر قابل توجه حرکت معلمان درجه بالای سازماندهی این اعتراضات و گسترش سریع آن در سطحی

انقلاب کارگری: اعتصاب سه روزه معلمان طبق برنامه برپا شد. این اعتراض از طرف معلمان گسترده و در چند شهر همزمان برگزار شد. از طرف دولت اسلامی سکوت و بی تفاوتی بود. ارزیابی شما از این دور جدید مبارزه



تنها در شهر اصفهان در ۲۶۰ مدرسه ما شاهد اعتصاب معلمان بودیم و در تهران نیز در ۹ منطقه آموزشی تعداد بسیاری از مدارس به حالت تعطیل درآمدند و این **صفحه ۲**

وسیع و سراسری است. این مساله باعث شده است که اعتراضات معلمان همواره انعکاس وسیعی در سطح جامعه و رسانه های دولتی داشته باشد و بطور جدی رژیم را تحت فشار قرار دهد.

معلمان چیست و آینده را چگونه می بینید؟
شهلا دانشفر: یک جنبه برجسته حرکات اعتراضی معلمان در چند ساله اخیر رادیکالیسم و برابری خواهی آنانست. برای مثال یک خواست اساسی معلمان خواست افزایش حقوق هاست و آنان در اعتراضات اخیر خود اعلام کردند که خواهان تحولی اساسی در میزان حقوق دریافتی خود هستند. و یا بعنوان نمونه در میاندوآب معلمان در حالیکه فیش های حقوقی کارمندی عالیترتبه در

جامعه به کدام سو میرود؟ اتفاقات محتمل کدامند؟

حلقه گمشده در مبارزات کارگری کدام است؟

مصاحبه با فاتح بهرامی
سردبیر نشریه انترناسیونال



اسلامی در بن بست همه جانبه اقتصادی و سیاسی است و هر روز شکافهای درونی اش نیز عمیق تر میشود و از طرف دیگر مردم قصد جان این رژیم را کرده اند و برای سرنگون کردن آن به میدان آمده اند. این حکومتی است که به

انقلاب کارگری: اوضاع جامعه روز به روز بحرانی تر و قطبی تر میشود. از یک طرف کارگران و مردمی که از همه نظر جان به لبشان رسیده و زندگی شان به تباهی کامل کشیده شده است، و از طرف دیگر رژیم اسلامی در بن بست همه جانبه قرار دارد و شکافهایش هر روز عمیق تر میشود و رو به سرنگونی است. بنظر شما وضعیت سیاسی جامعه به کدام طرف میرود؟ چه اتفاقاتی را شما محتمل میدانید؟

فاتح بهرامی: پاسخ به سمت و سوی وضعیت سیاسی جامعه در خود سوال منعکس است، یعنی از طرفی رژیم

ضرب اعدام و شکنجه و زندان و اختناق ۲۵ سال سرپا مانده است. رژیمی که در تمام این مدت همه توان و امکاناتش را از طریق آموزش مذهبی و مکتب قرآن و جشن تکلیف و غیره بکار برد تا ذهن کودکان این جامعه را به اسلام مسموم کند اما می بینیم که این تلاش کثیف حکومت نتیجه معکوس داد و نسل جوان یکی از سر سخت ترین دشمنان اسلام و حکومت اسلامی است. این رژیمی است که نصف جامعه ایران، زنان، را نه تنها بعنوان انسان برسمیت نشناخت بلکه برای له کردن آنان و سرکوب اعتراضاتشان **صفحه ۲**

مبانی کمونیسم کارگری سمینار اول کمونیسم کارگری منصور حکمت

صفحه ۸

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

نابود باد جمهوری اسلامی

ادامه با اعتصاب معلمان صدها مدرسه در شهرهای مختلف شد!

اعتراضات شهرهای رشت، یزد، میاندوآب و دیگر شهرها را در بر گرفت و همین الان نیز این اعتراضات ادامه دارد و معلمان اعلام کرده اند که تا به خواسته‌هایشان پاسخی داده نشود عقب نخواهند نشست. اینها همه نشاندهنده درجه بالای اتحاد معلمان در مبارزاتشان و رادیکالیسم آنها در پیگیری خواسته‌ها و مطالباتشان است. اما نکته بسیار مهم دیگری که میتوانم در رابطه با اعتراضات معلمان اشاره کنم، تشخیص درست آنها از اوضاع کنونی برای پیشبرد مبارزاتشان است. اینکه امروز معلمان بر ادامه اعتراضاتشان تصمیم میگیرند، به درست نشان دهنده هوشیاری آنان در تشخیص اوضاع سیاسی امروز ایران و مناسب بودن آن برای به کرسی نشاندن خواسته‌هایشان است. واقعیت اینست که بحران داخلی حکومت بالا گرفته است، رژیم در ضعیف ترین شرایط خود بسر میبرد. این وضعیت فرصت مناسبی بوجود آورده است برای اینکه مردم در سطوح مختلف جامعه به میدان بیایند و یکپارچه و متحد علیه رژیم بپا خیزند و برای خواسته‌ها و مطالباتشان مبارزه کنند. بهترین شرایط است که با جلب حمایت وسیع

مردم مبارزه ای قدرتمند را به پیش برد. معلمان خطیر بودن این شرایط و فرصت مناسبی را که پیش رویشان قرار گرفته بخوبی تشخیص داده و با پافشاری بر روی خواسته‌هایشان بر روی تداوم اعتراضاتشان تاکید دارند. همه اینها که بر شمرده قبل از هر چیز نشانگر نقش برجسته معلمان کمونیست و رادیکال در راس این اعتراضات است. طی چهار سال اعتراض و مبارزه در میان معلمان، ما امروز شاهد شکل گیری شبکه ای از ارتباطات وسیع در میان نه تنها معلمان در تهران بلکه در ارتباط با شهرهای دیگر هستیم. این وظیفه معلمان کمونیست است که در تحکیم و تداوم این روابط بکوشند و در تماسی منظم و دائمی بر روی روند اعتراضات و رادیکالیسم آن تاثیر بگذارند. کاری که همین امروز در اعتراضات معلمان و در حرکات اعتراضی همین چند ساله آنها شاهدش بوده ایم. ما شاهد بوده ایم که در عمده این حرکات معلمان از فراخوانهای تشکلهای علنی موجود استقبال کرده و برای اعتراض بیرون آمده اند ولی هر کجا که این تشکلهای به هر شکلی خواسته اند حرکت را در نیمه راه متوقف کنند،

معلمان از چهارچوب تعیین شده این تشکلهای خارج زده و به اعتراض و مبارزه خود ادامه داده اند و خواست و اراده خود را به پیش برده اند. در هر حال اگر بخواهم بطور خلاصه جمع بندی ای از اعتراضات اخیر معلمان بدهم همانطور که اشاره کردم درجه بالای سازماندهی این حرکات، رادیکالیسم و برابری طلبی معلمان در این مبارزات را میتوان بطور برجسته دید و بر روی آن دست گذاشت. انقلاب کارگری: در روزهای اعتراض، معلمان دو نفر از همکاران خود را که دستگیر شده بودند را با اعتراضاتشان آزاد کردند. آیا میتوان از یک توازن قوای جدید بین مردم مبارز و دولت اسلامی صحبت کرد، این حرکت چه تاثیری در کل جامعه دارد؟ نظر من اینست که من چشم انداز خوبی برای این اعتراضات میبینم و بسیار خوشبینم. علت آن اوضاع سیاسی امروز است. علت آن اینست که امروز همانطور که گفتم توازن قوا بیش از پیش به نفع پیش برد اعتراضات و به کرسی نشاندن خواسته‌ها و مطالبات از سوی هر بخش از جامعه است. اما همین جا یک نکته کلیدی را تاکید کنم و آن اینست که ما نباید بگذاریم هیچ مبارزه ای منفرد بماند. به عبارت دیگر یک شرط مهم پیروزی اعتراضات جاری جلب همبستگی وسیع از سوی بخش های مختلف جامعه و گسترش سراسری این اعتراضات است. من گفتم زمینه اعتراض وسیع است. زمینه برای پیوستن همه معلمان در تمام شهرها و حمایت دانش آموزان و خانواده هایشان و کل جامعه از این اعتراضات فراهم است. ولی باید این تحقق پیدا کند و این قبل از هر چیز وظیفه معلمان کمونیست و رادیکال است که این شرایط را دریابند

صفحه ۲

همبستگی کارگری

با کارگران معترض پتروشیمی

بنا به کمیته‌ای که حزب کمونیست کارگری برای جلب پشتیبانی از کارگران پتروشیمی شروع کرده است تا به حال اتحادیه های بزرگ و موثری در اروپا و آمریکا با ارسال نامه های اعتراضی به دولت ایران از خواسته های کارگران پتروشیمی دفاع کرده اند.

این اتحادیه ها عبارتند از: **اتحادیه کارگران فلز آلمان** با ۳ میلیون عضو. **۲۸ اتحادیه کارگران در آمریکا** که لیست آن در سایت روزنه دات کام موجود است، **فدراسیون سراسری کارگران شیمیائی ث ژ ت در فرانسه**، **اتحادیه پست کانادا** با ۵۵ هزار عضو. **حزب سوسیالیست دموکراتیک و سازمان سوسیالیستهای آلتوناتیو آلمان**، **اتحادیه کارکنان بیمارستانهای کانادا** با ۴۵ هزار عضو.

این کمیته ادامه دارد و تاکنون دهها سازمان و اتحادیه کارگری از کارگران پتروشیمی حمایت کرده اند و به حکومت اسلامی اعتراض نموده اند. سایر نامه های حمایتی در شماره های بعدی درج میگردد.

پتروشیمی آبادان چندین ساعت بسته شد انتی ماتوم کارگران ۵ بهمن ماه است نامه به استاندار خوزستان

نامه سرگشاده کارکنان پتروشیمی آبادان به استاندار خوزستان بخشی از نامه کارگران: «همانطور که مستحضرید کارکنان سخت کوش پتروشیمی آبادان پس از دو ماه تلاش بی وقفه در راه رساندن صدای مظلومیت خویش به مقامات کشور به این نتیجه رسیدند که گوش شنوایی نیست و بر خلاف میل باطنی خویش در تاریخ ۲۳ دیماه تصمیم به بستن کارخانه گرفتند. در خلال چند ساعتی که کارخانه بسته بود تنها صدایی که پرسنل از مقامات شنیدند فقط و فقط صدای تهدید و ارباب بود.. تا اینکه نماینده استاندار خوزستان قول داد که مشکل ما را حل نماید. ما هم تصمیم گرفتیم که بطور موقت کارخانه را راه اندازی کنیم.» در ادامه آمده است: «ما اعلام میکنیم اداره و استخدامی پرسنل با وزارت نفت برقرار نگردد، کلیه کارکنان پتروشیمی آبادان در تاریخ ۸۲.۱۱.۶ ساعت ۶ یا ۷ صبح در مجتمع تحصن کرده و اقدام لازم را برای احقاق حق خود بعمل خواهند

آورد.» کارگران خطاب به نیروهای سرکوب رژیم چنین نامه شان را خاتمه میدهند: «اما جمله ای با مقامات امنیتی: شاید بتوان با تهدید و ارباب و ایجاد رعب و وحشت در کوتاه مدت پرسنل را کر و لال کرد. ولی هرگز نمیتوانید فکر کردن را از آنان بگیرید. اینان انسانند و دارای عقل و هوش و اگر امروز مجبور به سکوت شوند، فردا که در واحدها رفتند آیا میتوانید برای هر کدام از آنها نگهبان بگذارید.»

نعمت زاده مدیر شرکت ملی صنایع پتروشیمی در مصاحبه ای گفت: «پتروشیمی ۸ سال پیش به بخش خصوصی واگذار شده است و شرکت ملی پتروشیمی هیچ سهامی در این شرکت ندارد و تعهدی هم نسبت به عملکرد آنها ندارد. ما هیچ بدهی به این شرکت نداریم و بعید میدانم که کارکنان پتروشیمی آبادان اعتصابی داشته باشند.»

انقلاب کارگری

شنبه ها منتشر میشود

سردبیر: امیر توکلی

تلفن: 00 358 405 821 776

ایمیل: tavakoli@hotmail.com

زنده باد جنبش مجمع عمومی!

ادامه

جامعه به کدام سو می‌رود؟

به هر کاری دست زد. و در مقابل، در این ۲۵ سال زن ستیزی اسلامی، مبارزه و اعتراض برای احقاق حقوق زن باشکال مختلف دائما در جریان بوده و امروز جنبش آزادی زن یک جنبش عظیم اجتماعی علیه اسلام و حکومت اسلامی است که برای آزادی زن و برای برابری زن و مرد در جامعه در حرکت است و یک ستون مهم انقلاب آتی ایران علیه حکومت اسلامی است. این رژیم است که طبقه کارگر ایران را به فلاکت اقتصادی مطلق کشاند، ابتدائی ترین حقوق کارگران را زیر پا گذاشت، فعالین و رهبران کارگری را کشت و به زندان انداخت و معیشت و سلامتی و ایمنی کارگران را زیر ضرب گرفت، اما کارگران در یک مبارزه دائمی علیه حکومت

کارها، از عقب نشینی تا حکومت نظامی، از ادامه تلاش های همیشگی اش برای سرکوب تا جلو انداختن مهره هائی از درون حکومت یا در کنار حکومت برای متوقف کردن حرکت جامعه در جهت بتعمیق انداختن سرنگونی اش دست خواهد زد. اما سه نکته روشن است: اول اینکه حکومت دیگر فرستادن آنها را ندارد، حرکت مردم را دیگر رژیم نمیتواند سد کند. دوم، جنبش اصلاح جمهوری اسلامی و انواع ترندها در این رابطه بی آبرو و رسوا است و خودشان هم به آن اقرار میکنند. مورد اخیر آن، پروژه شیرین عبادی، که غرب هم امید زیادی به آن داشت، فقط دو هفته طول کشید تا بی اعتباری آن حتی به آنان که برایش هورا میکشیدند ثابت شود. سوم، تحول در قدرت و

نمیدهد و جامعه در سطح وسیعی از آن با خبر نمیشود. کارگران باید چکار کنند که این همه جانفشانی و مبارزه برای احقاق حقوق اولیه شان رسا تر گردد، جمهوری اسلامی را تکان دهد، بی بی سی و خبرگزاریها آن را مخابره کنند و کلا کارگران در اوضاع متحول سیاسی امروز نقش تعیین کننده پیدا کنند، همانطور که کارگران نفت در سال ۱۳۵۷ این نقش را بازی کردند و رژیم شاه سرنگون شد، باید چکار کرد، حلقه کمشده بنظر شما چیست؟

فاتح بهرامی: ابتدا درباره نرسیدن صدای کارگران و منعکس نشدن خبر مبارزات آنان در سطح جامعه ایران و در سطح بین المللی و نقش رسانه های نوکر نکته ای را باید تاکید کنم. عدم توجه به مبارزه کارگر توسط رسانه ها و سانسور و تحریف آن اساسا جزو وظیفه

اول اینکه حکومت دیگر قدرت سرکوب مردم و بخانه فرستادن آنها را ندارد، حرکت مردم را دیگر رژیم نمیتواند سد کند. دوم، جنبش اصلاح جمهوری اسلامی و انواع ترندها در این رابطه بی آبرو و رسوا است و خودشان هم به آن اقرار میکنند. سوم، تحول در قدرت و دست بدست شدن قدرت از بالای سر مردم و شانس جریان راست برای به قدرت رسیدن از طریق بند و بست از بالا بیش از هر زمان امکانش را از دست داده است.

اسلامی و برای دفاع از حقوق خود، امروز دارند گامهای بلندتری در اعتراض به حکومت اسلامی و در جهت ایفای نقش خود به جلو بر میدارند. در یک کلام حکومت اسلامی جامعه ایران را به قهقرا برده، با تحمیل فقر و نداری به مردم اعتیاد و تن فروشی را در ابعاد گسترده ای به جامعه تحمیل کرده و زندگی و آسایش را از مردم سلب کرده است. هیچ راهی برای مردم جز کنار زدن این حکومت ضد انسان اسلامی نمانده است. بیش از شش سال است که مردم ایران عزم خود را برای سرنگون کردن این رژیم اعلام کرده اند، و از خرداد ماه گذشته حرکت مردم نشان داده است که بزیر کشیدن حکومت اسلامی از طریق یک انقلاب در دستور جامعه قرار دارد. درباره اتفاقات محتمل نمیتوان پیش بینی دقیق کرد. جمهوری اسلامی در جریان حرکت انقلابی مردم قطعا به انواع و اقسام

دست بدست شدن قدرت از بالای سر مردم و شانس جریان راست برای به قدرت رسیدن از طریق بند و بست از بالا بیش از هر زمان امکانش را از دست داده است. در واقع آنچه محتمل ترین اتفاق در اوضاع سیاسی است سرنگونی جمهوری اسلامی به قدرت خود مردم و از طریق یک انقلاب است. در این میان نکته اساسی وجود حزب کمونیست کارگری ایران و حضور قدرتمند آن در صحنه سیاسی ایران است که رهبری انقلاب آزادیخواهانه ایران را بدست دارد و برای برقراری یک جمهوری سوسیالیستی در ایران مبارزه میکند.

انقلاب کارگری: هر روزه ما شاهد اعتراضات وسیع کارگری هستیم، مسدود کردن جاده های اصلی، تحصن در مقابل مراکز دولتی، اعتصاب، تظاهرات و دهها شکل دیگر اعتراض. اما ظاهرا این اعتراضات جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار

ادامه

با اعتصاب معلمان صلحا مدرسه در شهرهای مختلف شد!

و برای متحد کردن معلمان و برای سازماندهی حرکتی سراسری و قدرتمند بکوشند. تلاش کنند تا با مدارس هر چه بیشتر در تهران و در شهرهای مختلف ارتباط برقرار کنند و آنها را در مبارزه ای واحد و بر سر خواسته های مشترک متحد کنند. بکوشند تا اخبار اعتراضاتشان را در سطحی وسیع و گسترده منعکس کنند و به رسانه ها و مطبوعات مختلف فشار بیاورند که این اعتراضات را منعکس کنند. تلاش کنند همبستگی و حمایت دانش آموزان، خانواده های آنان، کارگران و دیگر بخش های جامعه را به این مبارزات جلب کنند. طبعاً اینها همه مسائلی است که باید در جمع ها و محافل معلمان به بحث درآید و برای آن برنامه ریزی و کار شود. از جمله معلمان کمونیست بعنوان رهبران این حرکت اعتراضی میتوانند خواسته ها و مطالبات امروز معلمان را در ۵ تا ۶ بند بصورت قطعنامه هایی روشن تنظیم کنند، آنرا در مجامع عمومی و نشست هایشان در مدارس و در اجتماعات اعتراضی ای که بر پا میشود مورد تصویب قرار دهند، این خواسته ها را در رسانه ها و مطبوعات و در کلیه مراکز آموزشی منعکس کنند و از کلیه معلمان و از کل جامعه بخواهند از این خواسته ها و این مطالبات حمایت کنند. مساله اینست که اگر این اعتراض گسترش نیابد و نتواند توجه کل جامعه را بخود جلب کند، اگر چه تا همین جا فشارهای جدی ای بر رژیم وارد کرده و عقب نشینی هایی را تحمیل خواهد کرد اما به نتیجه نخواهد رسید. رژیم میکوشد با شانه بالانداختن های و برخورد های بی تفاوت که شما نیز به آن اشاره کردید، اعتراضات معلمان و کلا در برخورد به اعتراضاتی که در جامعه صورت میگردد، با طولانی شدن این اعتراضات آنان را فرسوده کند و افق پیروزی را برایشان تیره و تار نشان دهد. وقتی این

اعتراضات قدرت می یابد که چشم به اوضاع سیاسی جامعه داشته باشیم و از فرصتی که امروز بوجود آمده بیشترین استفاده را بکنیم و در همبستگی با اعتراض بخش های دیگر جامعه کارگران، دانشجویان، زنان و کل جامعه افق روشنی را در مقابل خود ببینیم. افق سرنگونی رژیم. ۲- در مورد تغییر توازن قوا و تاثیر آن در مبارزه معلمان سؤال کردید. من به این سؤال در بخش قبلی اشاره کردم. بطور واقعی امروز اوضاع سیاسی جامعه و توازن قوای موجود به نفع اعتراضات همه بخش های جامعه است و ما در همه جا شاهد اعتراض هستیم. در میان کارگران، در میان معلمان، در میان دانشجویان و در کل جامعه. پیوندی عمیق این اعتراضات را به هم متصل میکند آنها خواسته های مشترک همه مردم و خواست آزادی و برابری و خواست رها شدن از این حاکمیت و کل این نظام. این خود بهترین زمینه در ایجاد همبستگی در میان مبارزات بخش های مختلف را بوجود آورده است. همانطور که اشاره کردم رژیم در تنگنایی جدی قرار گرفته است. امروز وقت آنست که این اعتراضات پیوسته با هم به حرکت در آیند و کار این رژیم را یکسره کنند. شما به توازن قوا و نمونه اینکه معلمان توانستند دو همکاران را از چنگ زندان رژیم رها کنند اشاره کردید. درست نکته همین جاست. ببینید در یزد یکی از معلمان معترض را رژیم دستگیر کرد. ۳۰۰۰ معلم جمع شدند و ظرف ۲ ساعت همکار خود را از زندان آزاد کردند. این موفقیت در مقابل معلمان و در مقابل همه مردم راه نشان میدهد. اینکه باید معترض بود و باید ایستاد و به جلو رفت. این کارست که باید معلمان در اصفهان نیز که هم اکنون یکی از همکارانشان در زندان است باید انجام دهد و برای آزادی او فشار بیاورند. اینها نمونه هایی است در اثبات اینکه امروز معلمان میتوانند با مبارزات متحد خود بطور قطع خواسته هایشان را برکسی بنشانند.

فقر و فلاکت در دنیا مرز نمی شناسد



وریا احمدی

مطبوعات آلمان هر سال یکبار در مورد فقر و گرسنگی در دنیا آماری را ارائه میکنند. جمعیت انسانهای دنیا را تقریباً ۶ میلیارد نوشته اند. تعداد کسانی که گرسنگی موجودیتشان را تهدید میکند، طبق آمار یو ان ۸۵۰ میلیون نفر است. یعنی از هر ۶ نفر یک نفر. این جمعیت بیشتر از جمعیت کل اروپا است. روزنامه پرتیراژ کلن آلمان نوشت که ۲۷ میلیون انسان برده واقعی هستند که بطور مستقیم خرید و فروش میشوند. اینان اکثراً از کشورهای آفریقایی، هند، پاکستان و سریلانکا میباشند. خریداران آنها شرکتهای صنعت دستی از کشورهای اروپایی و آمریکا هستند که تولیدات ارزان را هدف خود دارند.

این کارگاهها در مناطق دور افتاده کشورهایی مانند هند و یا سریلانکا ثبت شده اند. این ۲۷ میلیون انسان برده از کل جمعیت کشورهای اسکاندیناوی بیشتر هستند. میلیونها زن و دختر بچه ای که توسط باندهای دولتی و غیردولتی به خودفروشی کشیده میشوند و همچنین صدها هزار کارگری که از لهستان و ترکیه و کشورهای شرقی و حتی اروپا توسط شرکتهای کرایه کارگر و دلالتی بین المللی کرایه داده میشوند، جزو این لیست نیستند. میلیونها نفر از کودکان کشورهای آفریقایی، ترکیه، ایران، مصر، عراق، روسیه، پاکستان و افغانستان ... که بعضاً تنها نان آور خانه

های ایران راه بیندازند و مهمتر اینکه آنها به یک ابزار روتین تجمع کارگران بدل کنند که بر سر هر موضوعی بحث و تصمیم میگیرد و دخالت میکند و برقراری رابطه این مجامع با همدیگر از طریق همین رهبران کارگری در جهت پیوند دادن آنها بهمیدگر. شکی نیست که بدرجه ای که در اثر پیشروی مبارزه مردم بند

صفحه ۵

تعرض همه جانبه رژیم به کارگران در طول این بیست و پنج سال کارگر را نه تنها به لحاظ معیشتی به فلاکت کشانده بلکه به لحاظ توان مبارزاتی اش به عقب رانده است. این وضع باید تغییر کند و اساس آن حضور و ابراز وجود قدرتمند کارگر در صحنه جامعه برای تغییر اساسی است که شرایط و اوضاع سیاسی امروز ایران هم به آن امکان و فرصت مناسبی داده است. این حضور قدرتمند قبل از هر چیز در گرو متشکل شدن کارگر است. مبارزه کارگر همانطور که شما اشاره میکنید در ابعاد وسیعی وجود دارد اما تا حد زیادی پراکنده است. و هنوز بهم پیوسته نشده است. هنوز علیرغم اینکه کارگران در محدوده محل کار خود برای پیش بردن مبارزاتشان در موارد زیادی به مجامع عمومی متکی میشوند اما مسأله تشکیلاتی کارگران طوری که امکان ابراز وجود قدرتمند سراسری را به کارگران بدهد حل نشده است. بنظر من این "حلقه گمشده" است. مسأله مهم، برخلاف شرایط انقلاب ۵۷، که نقطه قدرت طبقه کارگر در شرایط امروز است، اینست که این طبقه امروز حزب خود، حزب کمونیست کارگری، را دارد. این تضمین میکند که کارگر بدون ابهام بتواند پرچم سوسیالیسم و رهائی کل جامعه را وسط صحنه جامعه بکوبد. اما از طرف دیگر دخالت قدرتمند کارگر در صحنه سیاسی مستلزم وجود ابزار دخالت است. این ابزار، یعنی تشکل توده ای کارگران، از طریق سرکوب رژیم اسلامی و در مقابل آن تحمیل ارگانهای جاسوسی و کنترل مبارزات کارگران، یعنی نهادهای ضد کارگری انجمن اسلامی و شورای اسلامی و خانه کارگر، تاکنون امکان وجود نیافته است. تغییر شرایط سیاسی و قرار گرفتن جامعه در آستانه تحول سیاسی وضعیت را امروز به نفع کارگران عوض کرده است و زمینه برای حرکت بسوی درست کردن ابزار دخالت کارگران بیش از هر زمانی آماده تر است. کلید آن برپائی جنبش مجمع عمومی است. یعنی کارگران در محل کار

دارد و نرسیدن صدای کارگر به جایی، با وجود حزب کمونیست کارگری، امر مطلق نیست. در خود ایران هم که لازم به گفتن ندارد، که هنوز یک روز از مبارزه و اعتصاب بخشی از کارگران نگذشته، روز بعد بقیه کارگران و کل مردم از طریق رادیو انترناسیونال از ماجرا مطلع میشوند و به ضرورت حمایت از و همبستگی با این مبارزات فراخوانده میشوند و تحلیل و موضوع حزب را از وقایع دریافت میکنند.

اما در مورد نکته اصلی سوال که کارگران باید چکار کنند تا نقش تعیین کننده خود را همچون انقلاب ۵۷ و حرکت کارگر نفت ایفا کنند، به نکات دیگری باید اشاره کرد. این موضوع که طبقه کارگر نه فقط یک نیروی اساسی برای زیر کشیدن جمهوری اسلامی بلکه تنها نیروی است که با اتکا به حزب خود و با حضور مستقل خود با پرچم سوسیالیستی میتواند پیروزی کمونیسم و برقراری سوسیالیسم در ایران را تضمین کند بدلیل موقعیت کارگر در اقتصاد و تولید جامعه و برخوردار بودن از حزب خود، حزب کمونیست کارگری است. اما برای اینکه کارگر بتواند به نقش تاریخی اش و به نقشی که مثلاً در انقلاب ۵۷ ایفا کرد جامه عمل بپوشاند لازم است که مستقیماً در سیاست ایران دخالت کند و برای رهائی خود و کل جامعه از شر جمهوری اسلامی به میدان بیاید. مبارزات تاکتونی کارگران که به آن اشاره میکنید قطعاً تاکنون بر فضای جامعه تاثیر مهمی داشته و در چهارچوب آماده شدن کارگران برای برداشتن قدمهای اساسی تر نقش داشته است. اما واضح است که این سطح از مبارزه هنوز جوابگوی ایجاد آن تحول عظیم در جامعه نیست. مبارزات تاکتونی کارگران اساساً در محدوده دفاع از خود و در مقابل تعرضات جمهوری اسلامی به حقوق طبقه کارگر صورت گرفته است. کارگران هنوز بقول شما جانفشانی میکنند که از بیکار شدن خود جلوگیری کنند و یا دستمزد بتعویق افتاده شان را از گلولی رژیم بیرون بکشند.

ادامه

جامعه به کدام سو میرود؟

در جایی مثل ایران هم قضیه روشنتر است. رسانه هایی که خود همراه دولتهای غربی در این چند سال کارشان کمک به جمهوری اسلامی و تبلیغ برای "اسلام میانه رو" و جریان خاتمی بوده و لمین پاسدارهای جنایتکاری را که عمری در جمهوری اسلامی علیه جان و مال و آزادی مردم مجاهدت کرده اند را بعنوان "آزادخواه" به مردم معرفی کرده اند، و در اینصورت طبیعی است که روی خوش به مبارزه کارگر و کلا حرکت انقلابی مردم نشان ندهند. اما نکته دیگر در همین مورد اینست که در سطح کل جامعه و در مقابل سکوت یا تصویری که رسانه های نوکر از مبارزه کارگران و مردم زحمتکش میدهند، صدای دیگری وجود دارد که موضوع را متفاوت میکند. نه تنها در ایران، بلکه در کل غرب و در اکثر کشورهای جهان، به یمن حضور و فعالیت حزب کمونیست کارگری، دفاع از مبارزه طبقه کارگر ایران و اعتراض به جمهوری اسلامی و جنایات آن توسط سازمانهای کارگری و سازمانهای مترقی یک امر روتین جا افتاده است. اتحادیه ها و سازمانهای کارگری و خیلی از سازمانهای مترقی و انساندوست در سطح جهان از مبارزه کارگر و از جنایات رژیم اسلامی نه تنها خبر دارند بلکه بطور منظم از مبارزات کارگران دفاع کرده اند، به جمهوری اسلامی اعتراض کرده اند، در میتینگ ها و کنگره های خود قطعنامه محکومیت جمهوری اسلامی و دفاع از طبقه کارگر داده اند و حتی در اجلاس های بین المللی مانند جلسات سازمان جهانی کار به دفاع از کارگران ایران و محکومیت رژیم اسلامی پرداخته اند و همه اینها محصول فعالیت حزب کمونیست کارگری و تلاشهای تشکیلاتی و کادری آنهاست. در واقع در برخورد به انعکاس مبارزات کارگران ایران و چگونگی برخورد به آن نیز صف بورژوازی و دولتها و نهادهای و رسانه های آن با صف مردم و سازمانهای کارگری و مترقی و انساندوست تفاوت

به کارگران قراردادی:

جمهوری اسلامی مشروعیت ندارد!



ناصر اصغری

nasser_asgari@yahoo.com

خبرگزاری کار جمهوری اسلامی (ایلنا) خبر از طوماری می‌دهد که گویا عده‌ای به نیابت از شما به مجلس شورای اسلامی ارسال، و از آن طلب رسیدگی به تبصره ۲ ماده ۷ قانون کار اسلامی را کرده‌اند. از متن خبر چنین بر می‌آید که این طومار توسط خانه‌کارگری‌ها و شورای اسلامی کاری‌ها تهیه شده است. مطالب و مطالباتی که در این خبر نقل شده‌اند، بدون شک تنها گوشه بسیار کوچکی از تضییقاتی است که جمهوری اسلامی بر شما روا داشته و می‌دارد. و اتفاقاً این نقش شوراها و شورای اسلامی کار بوده است که هر از چند گاهی بعنوان دلسوز و "نماینده" کارگران "اعتراضی" بکنند. و گرنه نقش جاسوسی‌شان زمخت‌تر و تو چشم‌خورت‌تر می‌بود. قانون کار را خودشان نوشته‌اند و دست سرمایه‌دارهایشان را از همه طرف باز نگه داشته‌اند تا به میل خود به جان کارگران بیافتند. اینک که با مبارزات روبه رشد کارگران مواجه شده‌اند می‌خواهند نقش دایه مهربانتر از مادر را بازی کنند.

ماده ۷ قانون کار اسلامی می‌گوید: "قرارداد کار عبارتست از قرارداد کتبی یا

شفاهی که به موجب آن کارگر در قبال دریافت حق‌السعی کاری را برای مدت موقت یا مدت غیرموقت برای کارفرما انجام می‌دهد." و تبصره ۲ ماده آن می‌گوید: "اصل در قرارداد کار عدم تعیین مدت است مگر اینکه معین بودن مدت کار در قرارداد تصریح شود." خواست طبقه کارگر اصلاح یک تبصره از یک قانون کار تماماً ارباب و رعیتی نیست. خواستش به تاریخ سپردن آن و طنز قانونگذارانش است. طنز اینجاست که این قانون ارباب و رعیتی توسط همان‌هایی به کارگران تحمیل شد که اکنون دارند برایمان اشک تمساح می‌ریزند.

فرستادن نامه به مجلس و رئیس جمهور و دیگر مقامات دولتی یکی از اشکال اعتراض می‌باشد. اما در مورد جمهوری اسلامی قضیه فرق می‌کند. اینها هم برایمان قانون وضع می‌کنند، هم سرکوبمان می‌کنند، هم خودشان را بعنوان نماینده ما به می‌کنند و هم اگر لازم شد بعنوان "نماینده" اعتراض ما جلوی صحنه ظاهر می‌شوند! جمهوری اسلامی کوچکترین مشروعیتی بین ما کارگران و هیچکدام از اقشار دیگر جامعه ندارد. نه تنها از نظر ما مشروعیتی ندارد، بلکه مقامات بلندپایه‌اش توسط کشورهای اروپایی، که همراه با رسانه‌هایشان از ترس مبارزات کارگران زیر بغلش را گرفته‌اند، بخاطر دست داشتن‌شان در ترورهای مخالفین در قبرس، آلمان، فرانسه و غیره نیز تحت پیگرد

قانونی قرار دارند. جمهوری اسلامی نه تنها حاصل سرکوب مبارزات کارگران است، بلکه قانون کارش هم که یک قانون کار اسلامی و ارتجاعی تمام عیار است، حاصل توازن قوای وقت بین کارگران و آنهاست. دیگر توازن قوا به نفع ما تغییر کرده است. شمارش معکوس سرنگونی‌اش شروع شده و این را خودشان با هزار و یک زبان دارند اعتراف می‌کنند. این را کارگران قراردادی باید در اتحادشان با مبارزات کارگران پتروشیمی‌ها، معلمان، زنان، جوانان و غیره تضمین کنند. راه میانبری وجود ندارد.

در این مقطع، باید مجلس جمهوری اسلامی را همانند هر ارگان دیگر سرکوب مردم ایران مخاطب قرار داد. اگر کارگران در مقطع انتخابات مجلس هفتم شورای اسلامی نتوانند متشکل جلوی در هر مسجدی، که صندوق‌های رأی‌گیری در آنجا دایر خواهد بود، پیکت کنند، باید برای اعلام همبستگی با مبارزات کارگران پتروشیمی‌ها، با مبارزات معلمان، برای اعتراض به آپارتاید جنسی در محیط کار، اعتراض به تبعیض افتادن پرداخت دستمزدها، برای اعلام حمایت از مبارزات دانشجویان، و غیره سر کار حاضر شده و در همان جا دست به تحصن و اعتصاب بزنند. این عمل پروسه سرنگونی رژیم را تسریع خواهد نمود.

یک دنیای بهتر
را بخوانید!

ادامه

جامعه به کدام سو می‌رود؟

اختناق جمهوری اسلامی شل تر شود، شوراها و کارگری، سنتی که جنبش کارگری در انقلاب ۵۷ به آن متکی بود، از چهار گوشه ایران سر بلند میکنند. راه افتادن این جنبش مجامع عمومی نه فقط ابزار مبارزه کارگران برای گرفتن حقتان و عقب راندن جمهوری اسلامی در شرایط کنونی است، بلکه زمینه سر بلند کردن آن جنبش شورائی زیر و رو کننده ای که عروج خواهد کرد نیز خواهد بود. نکته مهم دیگر در همین زمینه متشکل شدن کارگران کمونیست و رهبران کارگری در حزب کمونیست کارگری و ایجاد سازمانها و شبکه های حزبی در محیط های کار و زیست کارگران و دنبال کردن رهنمود های حزب برای تضمین پیشروی و موفقیت مبارزه طبقه کارگر و کوبیدن پرچم سوسیالیستی بر این مبارزه است. رهبران کارگری کمونیست، علاوه بر متشکل کردن خود حول حزب و مرتبط کردن خود به حزب، لازم است تلاش کنند تا در ابعاد وسیع حزب و برنامه و سیاستهای آن را بدون توده طبقه ببرند و نفوذ اجتماعی حزب را در میان کارگران گسترش دهند، این برای پیروزی کمونیسم و ایفای نقش تاریخی طبقه کارگر برای پایان دادن به حاکمیت سرمایه و بنا نهادن جامعه ای آزاد و انسانی کلیدی است.

ادامه اخبار

تهران در اعتراض به بسته شدن بخشی از خط تولید و خطر بیکار شدن کارگران دست به تجمعی اعتراضی زدند. کارگران اعلام کردند که در برابر این اقدام خواهند ایستاد.

کارخانه یخچال سازی (ارج)

کارخانه یخچال سازی ارج در مهرآباد کرج به بهانه ورشکستگی به حال تعطیل در آمده است و بیش از یکماه است که ۷۵ کارگر آن بیکار شده اند. کارگران این شرکت حقوق ۴ ماه گذشته خود را دریافت نکرده اند و اکنون حتی توان پرداخت کرایه خانه و خرید نان خشک را هم ندارند. این کارگران تا هم اکنون برای گذران زندگی مجبور به فروش لوازم منزل خود شده اند. کارگران به اشکال مختلف دست به اعتراض زده اند، اما مسئولان کارگران را سر می‌دانند.

ادامه

در گرامیداشت قربانیان بم

می‌دانیم. کشوری که در کمربند زلزله قرار دارد، کشوری که ۸۵ درصد منازل مردم در معرض خطر قرار دارند، شما به عنوان مدیران این جامعه چه تمهیداتی اندیشیده‌اید؟ کدام بودجه مشخص و معین را به این کار اختصاص داده‌اید؟ در ایران هم می‌توان همانند ژاپن شاهد زلزله ۸ یا ۹ ریشتری بود، بدون اینکه شیشه‌های شکسته شود، یا از دماغ کسی خون بیاید، مردم بم می‌توانستند با اطمینان در خانه‌های خود باشند، بدون اینکه شاهد جان باختن عزیزان خود باشند، کودکان بمی هم اینک می‌توانستند در آغوش مادران خود باشند، شما آقایان! به راحتی این امکان ناچیز را از آنان سلب کردید شما مسئولان، چه اکنون و چه بعدها باید پاسخگوی این مصاعب باشید. هر چند ما مدت‌ها است امیدی به پاسخگویی شما نداریم. این را سیل‌ها و زلزله‌های بعدی بیشتری اثبات خواهد کرد.

نشریه انقلاب کارگری از این سایت قابل دسترسی است

www.kargaran.org

کارگران جهان متحد شوید!

اخبار اعتراضات کارگری

پرداخت نکرده و همگی را اخراج نموده است. کارگران این شرکت میگویند که کارخانه بابکان آمل مصادره ای بوده که بانک صنعت و معدن چندین سال قبل آنرا خریداری کرده است. این کارخانه بدنبال طرح خصوصی سازی به چند جوان ۲۲ تا ۲۵ ساله واگذار شد که از وابستگان مدیر عامل بانک صنعت و معدن بودند. کارگران میگویند که حدود ۵ ماه است که حقوق دریافت نکردند و مراجع هم جوابی به ما نمیدهند. این شرکت مشکل تولید ندارد و تا ماه قبل ۸۰۰ کارگر شرکت

کارگران کارخانه «الیزا بواق ورامین» در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای معوقه خود اعتصاب کردند. این کارخانه با داشتن ۱۲۰ کارگر از سوی کارفرما ورشکسته اعلام شده است و کارگران بیش از سه ماه است که حقوق نگرفته اند. کارگران میگویند که ۴۰ ماه است که حق بیمه کارگران به سازمان تامین اجتماعی پرداخت نشده و پرداخت حقوق معوقه باقیمانده از سال گذشته نیز قرار است که در ۱۲ قسط صورت گیرد. کارفرما از طریق نیروهای امنیتی اعتصاب را به نفع



خود برهم زده و به کارگران قول میدهد که هر چه سریعتر حقوق و مزایای آنها را پرداخت خواهد کرد، اما هیچ خبری از این امر نیست.

اعتصاب کارگران شرکت قابله سد ۹ نیروگاه کارون ۴

کارگران شرکت تابلیه سد ۹ نیروگاه کارون ۳ در شهر ایذه در اعتراض به ۴ ماه دستمزدها پرداخت نشده خود دست به اعتصاب زدند. در نتیجه فشار کارگران، مدیریت کارخانه قول پرداخت دو ماه دستمزد آنها را داد اما کارگران خواهان تمام طلبهایشان هستند. کارگران با گرفتن قول مساعد از کارفرما موقتاً به اعتصاب خود پایان دادند.

تجمع اعتراضی کارگران شرکت آزمایش

کارگران شرکت آزمایش در

صفحه ۵

کارگران تهیدست چین

از دوپچه وله:

احداث اند. این آسمانخراشها بدل شده اند به سمبل و نماد موفقیت‌های اقتصادی چین. کارگران ساختمانی در هر شرایطی و در همه فصول سال سرگرم بشا کردن این آسمانخراشها هستند. بسیاری از این کارگران از ایالت‌های فقیر چین همچون سیچوان و هنان می‌آیند. شمار اندکی از این کارگران کلاه ایمنی بر سر دارند. از لباس کار محرومند و با نازلترین شرایط ایمنی مشغول کار هستند. با فرا رسیدن سال تازه همه خرسندند که میتوانند به زادگاه خود

بهره گرفتن از نیروی کار ارزان کارگران مهاجر ساختمانی در برخی از مراکز بزرگ چین پدیده‌ای روزمره و عادی است. اما کارگران مهاجر چین، فقیرترین بخش جامعه چین را تشکیل میدهند. از محرومترین نقاط کشور به مناطق ثروتمند کوچ میکنند، به آرزوی یافتن کار و سیر کردن شکم خود و خانواده. از آن جمله است مهاجرت کارگران فقیر به شهرهایی همچون شانگهای. آسمانخراشهای شانگهای به



درآمد سالانه این کارگران یکبار در سال پرداخت میشود و سر کارگر نیز تنها زمانی میتوانند دستمزد این کارگران را بپردازد که خود این پول را از صاحبان آن پروژه‌های ساختمانی دریافت کرده باشد. در سالیان گذشته ما شاهد آن بودیم که درست پیش از جشن سال نو، صاحبان مدتی ناپدید شده و کارگران مهاجر بدون دریافت دستمزد سالانه خود ناگزیر به نزد خانواده‌های خود بازگشته اند. ۱۰ کارگر ساختمانی دست به اقدام جنجالی بزنند. آنها تهدید کردند که اسکلت یک آسمانخراش را در صورت عدم پرداخت به موقع دستمزدشان منهدم خواهند کرد.

بازگردند و این ایام را در کنار خانواده‌های خود باشند. اما پیش از رفتن به مناطق خود، بدان دل بسته اند که حقوق و دستمزد کار سالانه خود را دریافت کنند و بقولی با دستان پر به نزد خانواده‌های محروم خود بروند. میزان درآمد سالانه این کارگران بالغ بر ۱۲۰۰ یورو است و آنان با این پول میبایست هزینه یک خانواده بزرگ را تامین کنند. اداره کار شانگهای چند هفته پیش یک مرکز تلفنی را مامور رسیدگی به کار کارگرانی نمود که موفق به دریافت دستمزدهای خود نشده اند. شمار کارگرانی که به این مرکز رجوع کرده اند بسیار زیاد است. یکی از همکاران این مرکز میگوید: ظرف روزهای گذشته شکایات

همت و با دست همین کارگران تهیدست بنا شده است. حال آنکه این کارگران گاه حتی برای دریافت دستمزد ناچیز خود نیز میبایست مبارزه کنند. صاحبان پروژه‌های بزرگ ساختمانی در شانگهای اغلب از پرداخت به موقع دستمزد به این کارگران مهاجر امتناع میورزند. حتی بسیاری از کارفرمایان درست روز پیش از پرداخت دستمزد ناپدید میشوند و کارگران مهاجر برای یافتن کار ناگزیر به ترک محل کار خود شده و از این رو دستمزدی دریافت نمیکند. هر بازدید کننده خارجی در مراکز و در محلهای ساختمان سازی در مانتون، شانگهای و پکن شاهد برپایی آسمانخراشهایی است که با شتابی فراوان در حال

زنده باد انقلاب کارگری

در گرامیداشت قربانیان به

جمعی از کارگران صنایع تهران، کرج

بار دیگر فاجعه‌ای دهشتناک در نقطه دیگری از ایران، اینبار در بم، ما را در غمی جانکاه فرو برد. اینبار ابعاد فاجعه قابل مقایسه با دوره‌های پیش نبود. آری وسعت تخریب و تعداد تلفات آن را از فجایای قبلی متمایز می‌سازد. اخبار متناقضی از رسانه‌ها دریافت کرده‌ایم. آمار رسمی ارائه شده تعداد کشتگان را ۳۰ هزار نفر اعلام کرده‌اند. خبرگزاری کار ایران (ایلنا) این تعداد را به نقل از یکی از اعضا ستاد بحران در منطقه بم بیش از ۵۰۰۰۰ نفر اعلام کرده است. با این اوصاف بیش از نیمی از مردم مصیبت‌زده بم در این فاجعه جان باختند و نیمی دیگر زخمی و بی‌خانمانند.

دلار از سوی شورای همکاری خلیج بوده است. کارشناسان امر می‌گویند، با این مبالغ چندین شهر از نوع بم را میتوان مطابق با استانداردهای جهانی و با تمام امکانات احداث کرد. همانند دوره‌های پیش بیشتر مردم عملکرد غیرنقدی را بدبینانه دنبال می‌کنند. که کاملاً حق دارند. چرا که قبلاً همین کمکها سر از بازار سیاه درآورده است. بر مبنای همین عملکرد نیز اعتقاد داریم تا زمانی که هیچ نظارتی از سوی کشورهای کمک کننده اعمال نشود، نمیتوان فرجام مناسبی برای این حمایتها متصور بود.

اما جانکاتر از هر چیز، نوع

کرد. با توجه به اینکه بیشترین تخریب در بخش شرقی بم، یعنی بخش کارگرنشین آن صورت گرفته است، ما کارگران از ایشان و یگر مسئولان حکومتی می‌پرسیم: چرا این تقدیر و امتحان مردم ژاپن و آمریکا را شامل نمی‌شود؟ در این مصیبت‌کده از ما مالیات و عوارض دیگر کسر میشود که در مقابل از جانب حکومت سرویس لازم در اختیار مردم قرار گیرد. مردمی که از حداقل معیشت برخوردار نیستند، چگونه میتوانند سرپناه محکمی برای خانواده خویش مهیا کنند، خوب است آقای احمدی‌نژاد و دیگر مسئولان اگر ریگی به کفششان نیست (که هست) کمی به خود زحمت

بدستشان نرسیده سوال میکنند. این همه کمکهای نقدی به کدام حساب واریز شده است؟ چه مقدار از این حمایتها بدست مردم بم خواهد رسید؟ بر حسب تجارب گذشته در این دیار بهترین زمان برای غارت و چپاول مردم مصیبت‌زده، مواقعی است که حادثهای اینچنینی ظاهر می‌شود، هر کس بسته به موقعیتش از این غنایم سهمی می‌خواهد. راهزنان جاده زاهدان - بم، باند سرقت کودکان که شیخ‌نشینان خلیج مشتری پر و پا قرص آناند (روزنامه شرق ۱۷ دی خبر از مفقود شدن ۲۰۰۰ کودک در بم می‌دهد) و در نهایت حسابهای خاص بانکی همه و همه سهم خویش را طلب می‌کنند. بی‌اعتمادی این مردم را حد و مرزی نیست، ما مسئولان طراز اول مملکت را عامل این همه تلفات و بی‌خانمانی مردم

صفحه ۵

هر کشوری باید کار و تولید کند، مالیات دهد، و به همان نسبت ارزشهای ایجاد شده توسط آن شهروند از طریق سرویس‌دهی حاکمان آن کشور بصورت تأمین مسکن، بهداشت، درمان و ضروریات دیگر زندگی در اختیار او قرار گیرد و این حداقلهای شناخته شده استانداردهای جهانی است که مسئولان سنگ آن را به سینه می‌زنند. باید به مسئولان گوشزد کنیم، مهار کردن بلایای طبیعی همچون سیل، طوفان، زلزله و نظایر اینها وظیفه کسانی است که بر مردم حکومت می‌کنند، زلزله‌زدگان بم می‌پرسند، در حالیکه از ۹۵۰۰۰ تخته چادر اهدائی مردم خراسان چرا فقط ۳۰ هزار تخته بدستشان رسیده است؟ مردم رودبار، زنجان، اردبیل، طبرستان هم همین سوال را از مسئولان دارند. آنان نیز از کمکهای نقدی و حمایتی دیگر کشورهایی که هنوز

ادامه

مبانی کمونیسم کارگری

برآیند روندهای اجتماعی است که بر آن انسان میگردد. بنابراین آن انسانی که بقول فوئرباخ دارد جهان عینی منعکس میکند برای فوئرباخ یک موجودیت بیولوژیکی است با حواس معین و غرایز معین و حسیات معینی در قبال دنیای بیرون از خودش. اما برای مارکس فشرده‌ای از جامعه زمان خودش است و محصول موقعیت اجتماعی‌ای که در آن قرار گرفته است. اینجاست که مقوله اجتماع وارد تبیین مارکس میشود. اجتماع از همان اول در تعریف انسان وارد مارکسیسم میشود. اینطور نیست که بدوا انسان را داریم و سپس می‌آئیم تا راجع به اجتماع و شیوه تولید و غیره حرف بزنیم. اجتماع مقدم بر انسان در تعریف خود مقوله انسان وارد تحلیل مارکس میشود. ولی این هنوز تمام بحث نیست. در قدم بعد باید پرسید مارکس اجتماع را چگونه تعریف میکند؟ باید سراغ ایدئولوژی آلمانی رفت و دید که مارکس اجتماع را چگونه تعریف میکند. برای مارکس اجتماع جمع عددی افراد نیست که با هم توافق

کرده اند کنار هم زندگی و کار کنند - درسی که علوم سیاسی بورژوازی میدهد، "جامعه ناشی از قرارداد دستجمعی یک عده آدم است که با هم تصمیم گرفته اند خیابان بسازند، حقوق همدیگر را رعایت کنند، و تقسیم کار کنند" - مارکس در ایدئولوژی آلمانی میگوید قبل از اینکه جامعه‌ای بوجود باشد باید انسانش زنده باشد و خودش را بازتولید بکند. مارکس فوراً مساله را به تولید و بازتولید ربط میدهد. بنابراین از پایه های بنیادی جامعه حرف میزند که اساسش تولید است. بنابراین وقتی می‌گوئیم انسان خصلت اجتماعی دارد، خیلی سریع معلوم میشود که در پشت تمام این خصلت اجتماعی، مناسبات تولیدی زمان آن انسان است که مهم و تعیین کننده است. بنابراین برای مارکس جامعه معنی جامعه شناسانه ندارد بلکه بلافاصله در زیربنای خود معنی تولیدی و اقتصادی پیدا میکند. رابطه زیربنا و روینای اجتماعی را هم البته مارکس توضیح میدهد (که این اینجا به معنی اخص کلمه به بحث ما مربوط نیست.).

ادامه در شماره بعد



دهند و پاسخ دهند. آیا ما قرار است در این کشور هم تولید کنیم، هم مالیات دهیم، هم تاوان بی‌کفایتی مدیران را در کارخانجات پس دهیم، هم اخراج شویم و هم زیر آوار بمانیم. و در نهایت متهم شویم که سرپناهی که ساختهایم ایمن نبوده است! عمده شهرکهای مسکونی و مناطق کارگری از حداقل امکانات ایمنی برخوردار است. ناگفته پیداست که ساکنین این مناطق اولین قربانیان زلزله‌های بعدی خواهند بود، عمده‌ترین خواسته کارگران در این خصوص میتواند ایمن‌سازی مسکن آنان از سوی دولت باشد. به باور ما استانداردهای زندگی امروزی یعنی اینکه شهروند

عملکرد و برخورد مسئولان حکومتی با این مصیبت است. امدادگران خارجی و داخلی از نبود سازماندهی مناسب آنان برای خارج کردن افراد زنده در زیر آوار میگویند. آنان اظهار می‌دارند، اگر سازماندهی به خوبی صورت میگرفت، تعداد بیشتری را زنده از زیر آوار خارج میکردند. دولت با اعلام اینکه دیگر نیازی به حضور پزشکان خارجی نیست از ادامه حضور آنان جلوگیری میکند. بیشتر مسئولان آن را تقدیر و امتحان الهی و برخی دیگر چون شهردار تهران اظهار می‌دارد: باید دعا کنیم که زلزله به تهران نیاید و اضافه می‌کند، باید از ساخت و سازهای غیرقانونی به شدت جلوگیری

ایرانیان نیز کمافی‌السابق کمکهای بی‌دریغ خویش را نثار مردم بم کرده‌اند. مضاف بر اینکه اینبار بسته به عمق فاجعه و تعداد تلفات این حمایتها از گستردگی خاصی برخوردار بود. حمایتهای غیرنقدی مردمی به حدی بوده است که مسئولان خواستار توقف این کمکها شده‌اند و به جای آن خواهان کمکهای نقدی هستند. خیرها حاکی است، مبلغ کمکهای ایرانیان خارج از کشور ۹۰۰۰۰۰ دلار را شامل میشود.

در این خصوص بیش از ۷۰ کشور خارجی مبالغ قابل توجهی را به زلزله‌زدگان اختصاص داده‌اند، که فقط یک نمونه بارز آن ۴۰۰ میلیون

” Let the ruling classes tremble at a
Communist revolution. The proletarians
have nothing to lose but their chains. They
have a world to win.”

WORKERS REVOLUTION

Nr. 10

24.01.2004



مبانی کمونیسم کارگری سمینار اول کمونیسم کارگری (مارس ۱۹۸۹)

قسمت هشتم

مبانی و چهارچوب سیستم
فکری مارکسیسم

بهرحال این من را به این بحث میرساند که کمونیسم کارگری بعنوان یک دیدگاه، بعنوان یک جهان نگری و یک دستگاه فکری چیست؟ فکر میکنم تا همینجا جواب این سوال را داده ام: کمونیسم کارگری مارکسیسم است. بعنوان یک دستگاه فکری، جامع و فراگیر است، زیرا همان مارکسیسم است و مارکسیسم جامع و فراگیر است. به این اعتبار، گرایش کمونیستی کارگری، دیدگاه کمونیسم کارگری، از نظر تئوریک، ارتدکسی مارکسیسم را تاکید میکند و بر صحت مارکسیسم پافشاری میکند و تنها چیزی که من اینجا اضافه میکنم اینست که کمونیسم کارگری میکوشد این مارکسیسم را در انتهای قرن بیستم بکار ببندد. به تغییرات عینی در جامعه و در جنبش سوسیالیستی نگاه میکند و اینها را در سیستم خودش دوباره بررسی میکند و پاسخ میدهد. باید بدهد. این میشود کمونیسم کارگری که ما الان مطرح میکنیم در تمایز با سایر سوسیالیسم غیر پرولتری. با سوسیالیسم غیر کارگری. دستگاه فکری کمونیسم کارگری، مارکسیسم است در تلاقی زمانی خودش، آخر قرن بیستم. مارکسیسمی است که مانیفست کمونیست پرچمش را بلند کرده است. وقتی این را میگوئیم بعضی ممکن است بگویند که جریان

مارکسیسم انقلابی ایران هم همین را میگفت. تاکید بر صحت و اصولیت مارکسیسم. در پاسخ به این نکته من خودم را موظف میدانم بهرحال یک مقدار راجع به مارکسیسم حرف بزنم، راجع به کمونیسم کارگری حرف بزنم و در تبیینش از اقتصاد، فلسفه. درباره تئوری سوسیالیسم مارکس و تبیین مارکس از سوسیالیسم نکاتی را بگویم تا مارکس را آنطوری که این جریان میخواهد بشناساند، آنطور که کمونیسم کارگری میخواهد بشناساند، اینجا مطرح کرده باشم و درعین حال دوباره نشان بدهم که این مارکسیسم تئوری کمونیسم کارگری است. در اینجا من نمیخواهم، مثلاً وقتی از فلسفه مارکسیستی حرف میزنم، سخنرانی ای درباره فلسفه مارکسیستی بطور کلی کرده باشم. من میخواهم در فلسفه مارکسیستی، جوهر طبقاتی آنرا توضیح بدهم، در نقد اقتصاد سیاسی مارکس، جوهر طبقاتی اش را توضیح بدهم، و در تئوری سیاسی و همینطور تبیین مارکس از سوسیالیسم، جوهر طبقاتی اش را توضیح بدهم و بالاخره این را بیرون بکشم که چرا این تئوری واقعا تئوری یک موجودیت و یک عنصر اجتماعی یعنی طبقه کارگر است و نه برعکس. یعنی یک تئوری ای که فقط پدر کارگر میخورد. میخواهم نشان بدهم مارکسیسم تئوری ای است که بنیاد اثباتی خودش به مثابه یک تئوری، وجود و پراتیک یک موجودیت

اجتماعی - طبقاتی مشخص یعنی طبقه کارگر است. اجازه بدهید با چند نکته پیرامون فلسفه مارکسیسم شروع کنم. همه میدانیم و تکرار میکنیم که مارکسیسم ماتریالیسم است. یعنی تقدم ماده بر ایده و جهان عینی بر جهان ذهنی و غیره. و باز همه میدانیم که مارکس فقط اینرا نگفته و یک لغت دیالکتیکی میگذاریم سر این ماتریالیسم و خودمان را از یک عده ماتریالیست دیگر تفکیک میکنیم. این دیالکتیک، که محور نقد مارکس به ماتریالیسم زمان خودش و پیش از خودش است چیست، جوهرش چیست؟ مارکس اینرا در نقد فوئرباخ توضیح میدهد و من مشخصا میخواهم به دو نکته در این نقد (نقد مارکس خیلی وسیع و جامع است) اشاره بکنم. ماتریالیسم قبل از مارکس، جهان عینی برایش مقدم است. عینی وجود دارد و ذهن انسان بعنوان آگاهی، بعنوان آگاهی انسانی در مقابلش قرار میگیرد و آنرا منعکس میکند. اولین اختلاف مارکس با این ماتریالیسم این است که این بیان صحیح نیست. "ذهن" نه فقط جهان عینی را منعکس میکند، بلکه تغییرش هم میدهد. به این ترتیب این طرف قضیه هم، خودش به عنصر فعاله ای در رابطه با اینکه عینی اساسا چی هست، و چرا چنین است که هست، تبدیل میشود. عینی یک چیز داده شده از پیشی نیست، که ذهن فقط آینه ای جلوی آن

مربوط میشود. نقطه اختلاف دوم مارکس با فوئرباخ بر سر انسان است. پذیرفتیم که انسان با پراتیک خودش جهان عینی را تغییر میدهد. اما این انسان خودش چیست؟ اختلاف مارکس با فوئرباخ اینست: مارکس میگوید انسان برای فوئرباخ پدیده ای مجرد و طبیعی و غریزی است در صورتیکه انسان یک پدیده اجتماعی است. فوئرباخ میرسد به ذات انسان. بهرحال در فلسفه فوئرباخ در مقابل آن جهان عینی انسانی وجود دارد که آن را منعکس میکند و باید تعریف نمونه واری از آن انسان کرد. باید با ذات خودش آنرا توضیح داد. ماتریالیسم مکانیکی مجبور است این کار را بکند، پدیده ها را با ذات خودشان توضیح بدهد. مارکس اینکار را نمیکند. مارکس میگوید این ذات انسان خودش حاصل یک موقعیت بیرون از خودش است. بنابراین مارکس در مقابل انسان طبیعی و ذاتی فوئرباخ، انسان اجتماعی را مطرح میکند. میگوید انسان چیزی نیست جز محل تلاقی روابط اجتماعی ای که بر او میگردد. این پدیده در مقابل جهان عینی قرار گرفته و این جهان برای مارکس یک مقوله اجتماعی است، حاصل جامعه است و در هر مقطع حاصل

مشخصه ۷

آزادی برابری حکومت کارگری